

## مبانی فقهی و حقوقی مجازات اعدام در جرایم مواد مخدر

تاریخ دریافت: ۹۲/۱۰/۱۱ تاریخ پذیرش: ۹۲/۱۱/۲۴

جهانبخش بیاد<sup>۱</sup>

پورمند سینایی<sup>۲</sup>

فاطمه اقدامی<sup>۳</sup>

### چکیده

اعتیاد به مواد مخدر به عنوان یک بلای اجتماعی، پدیده شوم و خانمان سوز به شمار می‌آید. تمامی جوامع انسانی و بیشتر دولت‌ها بر این موضوع اتفاق نظر دارند که مواد مخدر و جرائم ناشی از آن، نسل بشریت را مورد تهدید قرار داده و مورد تهدید قرار می‌دهد. بنابراین، صاحب نظران معتقدند که حل این معضل اجتماعی نیازمند مبارزه‌ای مستمر از ابعاد نظامی، انتظامی و سیاسی تا تلاش‌های اقتصادی و فرهنگی است. در کشور ما یکی از ابزارهای مقابله با این پدیده اعمال مجازات‌های شدید و سنگین بوده و مجازات اعدام و حبس‌های طولانی مدت به عنوان نمونه‌هایی از پیشگیری‌های کیفی در نظر گرفته شده است. هدف این پژوهش با توجه به نظراتی که با مقابله فقهی و حقوقی مجازات اعدام در جرائم مواد مخدر به دست می‌آید، ارائه راهکارهایی جهت جلوگیری یا حداقل در محدود کردن آن است. در این پژوهش روش تحقیق از حیث هدف، توصیفی-تحلیلی و از حیث شیوه انجام تحقیق، اسنادی و کتابخانه‌ای است. در نهایت در خصوص امکان تعیین مجازات اعدام و توجیه فقهی آن در مورد جرائم مواد مخدر تنها از ۳ طریق افساد فی الارض، تعزیر شرعی و حکم حکومتی امکان پذیر است. با بررسی متون فقهی و ادله شرعی می‌توان گفت که توجیه مجازات اعدام در قالب افساد فی الارض و تعزیر شرعی فاقد وجهت شرعی و غیر منطبق با موازین اسلامی است. تنها راه باقی حکم حکومتی و رعایت مصلحت جامعه می‌باشد. بنابراین برای حفظ دین و نظام اسلامی زمانی که مصلحت اقتضاء نماید ولی امر می‌تواند از باب احکام حکومتی مجازات اعدام پیش بینی کند.

**واژگان کلیدی:** مبناهای شرعی، مجازات، اعدام، مواد مخدر، جرائم مواد مخدر

<sup>۱</sup> - دانشجوی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، رئیس اداره آموزش و فرهنگ ترافیک پلیس راهور استان کهگیلویه

و بویراحمد، نویسنده مسئول، ۰۹۱۷۵۱۷۸۵۴۳، J.۱۳۹۰@yahoo.com

<sup>۲</sup> - کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم شناسی

<sup>۳</sup> - دانشجوی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی

## مقدمه

برخی از موضوعات به رغم آنکه به کرات مورد بحث و مطالعه قرار گرفته اند، همواره نو بوده و راه مطالعات جدید درباره آنها باز است. بحث مواد مخدر از جمله این موضوعات است؛ زیرا بین مواردی که برای بشر هم سودمند و هم اعتیاد آور و زیان بخش اند، مواد مخدر اهمیت ویژه ای دارد و جوامع را چهلیمی و چه بین المللی متوجه خود ساخته است.

از تاریخ دقیق، کشف و مصرف مواد مخدر اطلاع دقیقی در دست نیست، ولی مسلم است که بشر از مدت‌ها پیش به قدرت تسکین دهنده مواد افیونی پی برده و از آن‌ها برای تسکین درد خود استفاده می‌کرده است.

اعتیاد به مواد مخدر به‌عنوان یک بلای اجتماعی، پدیده شوم، خانمان سوز و بلیه بزرگ جهانی به شمار می‌آید. جامعه بشری از پیدایش تا کنون با بلاها و بحران‌های مختلفی مواجه بوده که برخی از آنها موجودیت و بقای انسان‌ها را در معرض تهدید قرار داده و برخی نقشه جغرافیایی و سیاسی جهان را دستخوش تغییر و تحول نموده است. مسئله مواد مخدر، استعمال و اعتیاد در همه کشورهای پیشینه تاریخی دارد و لیکن آنچه این پدیده را به عنوان بلیه جهانی، تهدید کننده امنیت ملی و بین المللی و عامل تأثیر گذار بر سلامت فکری جسمی و اخلاقی انسان‌ها تبدیل کرده، قاچاق بین المللی آن، گسترش این تجارت سیاه مرگ بار، اعتیاد و مصرف آن در جهان است و پس از تجارت سلاح و مهمات، پرسودترین معامله جهانی است. از این رو در فرآیند اقتصاد جهانی، جایگاه قاچاق مواد مخدر را نمی‌توان نادیده گرفت. هنگامی که بحث از بحران در جوامع بشری پیش می‌آید و تاریخچه بحران‌ها بررسی می‌شود، در هر زمان یک موضوع خاص، موضوعی بحرانی بوده که توانسته است جامعه را مورد تهدید اساسی قرار دهد. زمانی بلایای طبیعی و راه‌های مبارزه با آن، زمانی بیماری‌های فراگیری و روزگاری جنگ‌های جهانی یا حتی قومی و قبیله‌ای بحران محسوب شده است. از دیر باز دام مواد مخدر نیز به عنوان بحرانی برای جوامع در نظر گرفته شده و دولت و ملت‌ها درصدد

مقابله با این بحران عظیم برآمده و بر آن بودند تا خود را از آن نجات دهند(اکبری قزوینی، ۱۳۸۴: ۲).

جرایم مواد مخدر از جمله جرائم سازمان یافته‌ای است که دارای ابعاد بین‌المللی می‌باشند. از طرفی جرائم مرتبط به مواد مخدر متأسفانه غم‌انگیزترین تراژدی نسل حاضر است و از این پدیده استعماری که ارمغان شوم استعمار یاست، می‌توان از آن به عنوان یک معضل اجتماعی و ناپهنجاری استعماری یاد کرد. مواد مخدر مخرب‌ترین عامل برای روح و روان بشری است، از یک طرف مواد مخدر در نظام اقتصادی کشورها اختلال شدیدی ایجاد نموده و از طرف دیگر، اعتیاد به مواد مخدر، تبعات سوء بهداشتی را در پی خواهد داشت. برخی از نویسندگان مصرف مواد مخدر را در ردیف جرائم بدون قربانی دانسته‌اند اما بزه‌دیدگان اعتیاد در دو طبقه بزه‌دیدگان مستقیم و محسوس و بزه‌دیدگان غیر مستقیم و نامحسوس قرار دارند. بزه‌دیدگان مستقیم اعتیاد، در وهله نخست شخص معتاد و در درجه دوم خانواده او می‌باشند. بزه‌دیدگان غیر مستقیم نیز کانون خانوادگی ملی یعنی کشور، در تمام ابعاد اقتصادی، فرهنگی و امنیتی می‌باشد(اکبری قزوینی، ۱۳۸۴: ۳).

در سایر جرائم مواد مخدر بزه‌دیدة وجود ندارد، یعنی خریدار و فروشنده هر دو مجرم بوده و نفع آنان در این است که اقدام خود را اعلام نکنند، در نتیجه آمار سیاه را بالا برده و همواره از یکدیگر در مقابل دستگاه‌های انتظامی و پلیسی حمایت می‌کنند. از این رو آزاد اندیشان سراسر جهان از بدو پیدایش این پدیده ضد انسانی (مواد مخدر) ضرورت مقابله و برخورد قاطع با آن را احساس کرده‌اند. در حال حاضر، معضل اعتیاد و جرائم مواد مخدر، یک واقعیت عینی جوامع است و به یقین هیچ کس در جامعه نمی‌تواند منکر این مسئله ملموس شود، به طوری که دیدن واقعیت بهمعنی اعتراف به وجود آن است و بالطبع تعمق و تأمل بیشتر درباره توجیه، تبیین و بررسی بی‌طرفانه علل رشد مواد مخدر در جامعه و سرانجام برخورد قاطعانه، تصویب قوانین و ایجاد راهبردهای اساسی برای دولت‌ها، سازمان‌ها، مؤسسات و کلیه اقشار جوامع را می‌طلبد.

کشور ما نیز از این قاعده مستثنی نیست. مسئله مواد مخدر از مشکلات مهم و اساسی کشور ما نیز می باشد و امروزه به عنوان یک بلاى عمومی و خانمان سوز، جوامع بشری به ویژه نسل جوان را به شدت تهدید می کند. متأسفانه امروزه گرفتاری در دام مواد مخدر طبیعی که در نقاط مختلفی از جهان تولید می شود، جای خود را به مواد مخدر اعتیاد آور مصنوعی داده اند که با اشکال مختلف تهیه شده و به انجای گوناگون، بسیاری از افراد را به دام خود کشیده و زهر خود را به آن چشانیده اند.

### بیان مسأله

بدون شک پدیده قاچاق مواد مخدر، اعتیاد و ناهنجاری های رفتاری ناشی از کاربرد این مواد، یکی از معضلات بزرگ جامعه بشری به خصوص در عصر حاضر بشمار می آید. تمامی جوامع انسانی و بیشتر دولت ها بر این موضوع اتفاق نظر دارند که مواد مخدر و جرائم ناشی از آن، نسل بشریت را مورد تهدید قرار داده و هم چنان مورد تهدید قرار می دهد و صاحب نظران و آگاهان متعهد تردید ندارند که حل این معضل اجتماعی نیازمند مبارزه ای مستمر و همه جانبه از ابعاد نظامی، انتظامی و سیاسی تا تلاش های اقتصادی و فرهنگی می باشد. با بررسی متون فقهی، مواد مخدر در صدر اسلام و در زمان تبیین احکام اولیه به معنای امروزی مصداق عملی نداشته، بعداً با پیدایش و شیوع آن در جوامع بشری، توسط فقها و مراجع عظام تقلید برای آن مصداق و مجازات معین شده است. در جوامعی چون جامعه ما که اکثر افراد آن از مردم مسلمان و معتقد به احکام نورانی اسلام تشکیل شده است، بر عهده علما و دانشمندان است که با تبیین معارف، اخلاقیات و احکام دین، وظیفه و تکالیف شرعی فرد را در این باره مشخص نموده و جامعه به ویژه جوانان را از ورطه مفاسدی مانند مواد مخدر باز دارند (جوانفر، ۱۳۷۶: ۴).

با توجه به حساسیت نظام جمهوری اسلامی ایران به مواد مخدر و پیچیدگی مسائل مربوط به آن، تحقیق و اجتهاد فقهی و حقوقی در فروع مختلف مربوط به مواد مخدر، جرایم و مجازات آن یک امر ضروری به نظر می رسد. بدیهی است هر کشوری برای مقابله با جرایم و از جمله مقابله با جرایم مواد مخدر، راه های خاص خودش را دنبال می کند، البته در بسیاری از موارد مشترکاتی نیز در جهان وجود دارد. از طرفی قوانین

کشور ما بر گرفته از نظام حقوقی اسلام است و این نظام حقوقی، با توجه خاص به مصالح و منافع فردی و اجتماعی و درجه‌بندی نمودن آنها، نظام کیفری خود را به صورت یک نظام کیفری دوگانه ارائه نموده است. در این نظام کیفری، برای جرایمی که مصالح و منافع ثابت و لایتغیری را هدف قرار می‌دهد، مجازات‌های ثابت و غیر قابل تغییر تحت عنوان «حدود و قصاص» در نظر گرفته شده است. برای جرایمی که به مصالح و منافع کم اهمیت‌تر و یا متأثر از شرایط زمان و مکان و ویژگی‌های مجرم است، مجازات‌های غیر ثابت و انعطاف‌پذیری را تحت عنوان «تعزیرات» تعیین نموده است (حسن زاده، ۱۳۸۲: ۳).

در کشور ما به لحاظ موقعیت خاص جغرافیایی و سیاسی در ارتباط با مواد مخدر و آثار زیان‌بخش و مصیبت‌بار آن، قانون‌گذاری از چندین دهه پیش به وضع قوانین و مقررات پرداخته‌اند. یکی از ابزارهای مقابله با این پدیده، یعنی مواد مخدر و جرائم ناشی از آن، از جمله قاچاق مواد مخدر (خرید، فروش، حمل، توزیع و ...) در قوانین ایران، اعمال مجازات‌های شدید و سنگین بوده و مجازات اعدام و حبس‌های طولانی مدت به عنوان نمونه‌هایی از پیشگیری‌های کیفری در نظر گرفته شده است.

در بین مجازات‌های پیش‌بینی شده برای مرتکبین جرائم مواد مخدر، مجازات اعدام از اهمیت و حساسیت خاصی برخوردار است؛ زیرا مجازات اعدام در بین مجازات‌های بدنی علیه تمامیت جسمانی، شدیدترین آنها است. در واقع مجازات اعدام، همواره آخرین ضمانت اجراست که باید در نظر گرفته شود و در مهم‌ترین جرایم تجویز می‌شود. به همین لحاظ، بررسی مبانی و پیامدهای مجازات اعدام در جرائم مواد مخدر محور اصلی این پژوهش می‌باشد.

### اهداف تحقیق

هدف این پژوهش این است که از نظراتی که با مقابله فقهی و حقوقی مجازات اعدام در جرائم مواد مخدر به دست می‌آید، استفاده شود و به ارائه راهکارهایی جهت جلوگیری و یا حداقل در محدود کردن آن پرداخته شود.

## روش تحقیق

در این پژوهش روش تحقیق از حیث هدف، توصیفی-تحلیلی و از حیث شیوه انجام تحقیق، اسنادی و کتابخانه‌ای است. پژوهش بر اساس تجزیه و تحلیل بر روی داده و تطبیق آرای گوناگون و ارائه نظرات خود، در نهایت به نتیجه گیری و پیشنهادات خواهد رسید.

## پیشینه تحقیق

بررسی‌های مقدماتی نگارنده در مطالعه موضوع، حاکی از این است که درخصوص مبانی فقهی و حقوقی مجازات اعدام در جرائم مواد مخدر، تالیف یا اثر مستقلی وجود ندارد و پایان‌نامه ای با این عنوان مشاهده نشد، اما پایان نامه‌هایی که در ارتباط با این موضوع وجود دارد عبارتند از:

۱- جوانفر (۱۳۷۶)، در پایان نامه خود با عنوان «مجازات‌های بدنی (اعدام و شلاق) در اصلاحیه قانون مبارزه با مواد مخدر»، به بیان، نقد و بررسی موارد، مبنا و تأثیر مجازات‌های بدنی (اعدام و شلاق) که در قانون مزبور جرایم و مجرمین مواد مخدر مقرر پیش‌بینی شده، پرداخته است. از روش‌های نمونه‌گیری افراد از نظر تعداد، جنس و ... و همچنین مصاحبه و آمارگیری استفاده کرده و در نهایت به این نتیجه دست یافته است که در مورد مجازات اعدام، پیشنهاد می‌شود تا مجازات حبس ابد به جای آن جایگزین شود و در مورد مجازات شلاق نیز حذف مجازات شلاق در مورد معتادین پیشنهاد و توصیه می‌شود.

۲- حسنزاده (۱۳۸۲)، در پایان نامه خود با عنوان «گذشته و حال نظام دادرسی جرایم مواد مخدر در حقوق کیفری ایران»، به بررسی آشنایی با روند رسیدگی به جرائم مواد مخدر در کشور و همچنین بررسی حقوقی از متهم مواد مخدر پرداخته که در اثنای رسیدگی به پرونده‌های مواد مخدر، نادیده گرفته می‌شود. در نهایت نگارنده به این نتیجه کلی دست یافته است که پس از اجرای مجازات اعدام در سال‌های متمادی که هدف عمده واضحین قانون کاهش جرایم و ارباب و عبرت سایرین بوده نه تنها توفیق

چندانی حاصل نشده است بلکه تبعاتی از قبیل بی‌سرپرست شدن خانواده و... و عدم کاهش جرائم مواد مخدر بنا به آمارهای ارائه شده در متن تحقیق داشته است.

۳- جعفر کوشا (۱۳۸۴) در پایان نامه خود با عنوان «بررسی و نقد علمی- کاربردی مجازات اعدام در قبال جرائم مواد مخدر»، به بررسی تأثیر مجازات اعدام در کاهش جرائم مواد مخدر پرداخته که این مجازات، از سال ۱۳۳۸ زمانی با شدت فراوان و مدتی با مسامحه اجرا گردیده است. در نهایت نگارنده پایان نامه فوق، به این نتیجه دست یافته که مجازات اعدام تأثیری در کاهش جرائم مواد مخدر ندارد.

### تبیین و تشریح مبانی فقه

برای اثبات حرمت مخدرات از جنبه‌های مختلف استدلال شده است. برخی از نویسندگان از چهار دلیل و منبع مهم استنباط احکام شرعی، قرآن، سنت، اجماع و عقل برای حرمت این پدیده استدلال نموده‌اند.

در اینجا مهم‌ترین دلایل حرمت مخدرات، از شریعت اسلامی با استفاده از فتاوی‌های فقهی اسلامی و مستندات فقهی به بحث گذاشته می‌شود. چنانکه اشاره شد با توجه به جدید بودن پدیده مواد مخدر، در این مورد نص شرعی خاص و مشخصی وجود ندارد. بنابراین نه در قرآن و نه در سنت به عنوان مواد مخدر با تعریفی که امروزه از آن داریم، وجود ندارد؛ اما این پدیده بدین معنی نیست که نمی‌توان از مطلقات شریعت و برخی از قواعد شرعی استفاده نمود.

### کتاب و سنت

نص صریحی درباره حرمت مواد مخدر در قرآن کریم نیامده است، البته در احادیث نصوسی وجود دارد که می‌توان از آنها بر حرمت مواد مخدر استدلال نمود. زیرا در آنها وصف جامع مواد مخدر که از آن جمله یکی صفت تخدیر است به صراحت مورد بحث قرار گرفته است ولی نصوص، به طور عموم وارد شده‌اند که می‌توان از آنها بر حرمت مواد مخدر استدلال کرد. ائمه اطهار در زمان خود، به علت عدم وجود مواد مخدر و این که در مورد آنها از ائمه معصومین (ع) سؤالی نشده است، روی این مواد بحث نکرده‌اند؛

زیرا غالب روایات منقول از ائمه اطهار (ع) در پاسخ به سؤالاتی ارائه شده‌اند که در عصر آنان مطرح بوده است، ولی از زمان پدید آمدن آن‌ها در قرن ششم، علما و فقها روی آن به طور کامل بحث کرده‌اند (باصری، ۱۳۸۶: ۱۲).

### کتاب

استعمال تریاک و اعتیاد به آن، در زمان بعثت پیامبر اسلام گزارش نشده است، پس ما نباید توقع داشته باشیم آیه صریحی در این زمینه در قرآن کریم داشته باشیم ولی در عین حال، در قرآن کریم به آیات بی شماری برخورد می‌کنیم که ما را به دوری جستن از هر گونه آلودگی فراخوانده و انجام هر عملی که به بهداشت جان و روح آسیب رساند، ناروا دانسته است. تعدادی از آیاتی که دلایلی بر حرمت مواد مخدر می‌باشد به شرح زیر بازگو می‌کنیم (مدنی، ۱۳۵۱: ۹۳).

خمر که از مسکرات قبل از بعثت حضرت رسول اکرم (ص) در بسیاری از بلادها، از جمله سرزمین حجاز مصرف می‌شده است؛ بنابراین، آیات متعددی درباره حرام بودن و مضرات آن نازل شده است از قبیل: «یا ایها الذین امنوا انما الخمر و المسیر و الانصاب و الازلم رجس من عمل الشیطن فاجتنبوه لعلکم تفلحون» (مائده / ۹۰).

«یسیئونک عن الخمر و المسیر قل فیهما اثم کبیر» (بقره / ۲۱۹).

«انما یرید الشیطان ان یوقع بینکم العداوه و البغضاء فی الخمر و السیر»

(مائده/ ۹۱)

از جمله آیات دیگری که در قرآن کریم مشاهده می‌شود:

۱- اگر بخواهیم هزینه کردن و استعمال مواد مخدر را از باب تبذیر و اسراف که آیه در جهت نهی از ارتکاب اسراف و تبذیر در قرآن کریم به طور صریح داریم، بررسی کنیم؛ نتیجه می‌گیریم که هزینه و استعمال مواد مخدر منهدم کننده است و حرام می‌باشد (همایش بین المللی سیاست جنایی در قبال مواد مخدر: ۸۸).

۲- «لاضرر» موارد غیر عمد و «لاضرار» موارد عمد را شامل می‌شود و ضرر و

ضرار هم، اعم است از زیان رساندن به نفس غیر (بقره / ۱۹۵).



۳- در باب اطعمه و اشربه، در بسیاری از کتب فقهی و حدیث از جمله خبائث، بنگ افیون را آورده‌اند؛ آیه مبارکه «و یحل لهم الطیبات و یحرم علیهم الخبائث» (اعراف/۱۵۷) مؤید و مستند این باب می‌باشد. مصرف مواد مخدر ضرر، اضرار تهلکه و قتل تدریجی نفس است. با توجه اینکه ضرر، اضرار، تهلکه و قتل تدریجی نفس در اسلام حرام است، نتیجه می‌گیریم که مصرف مواد مخدر در اسلام حرام است.

### سنت معصومین (ع)

روایات مشهوری در این زمینه وجود دارد که عبارت مشترک این روایات، جمله معروف «حرام علی امتی کل مفتر و مخدر» می‌باشد که رسول خدا فرموده است: «برامت من مستی آورها حرام است» (نیشابوری: ۱۵۸۷).

۱- در روایاتی که از رسول خدا و ائمه معصومین (ع) نقل شده بر حرام بودن بنج یا بنگ که یکی از فرآورده‌های حشیش یا شاهدانه است، تأکید گردیده است. مانند روایت عن النبی (ص): سلهو علی الیهود و النصارى و لاتسلمو علی أکل البنج». پیامبر (ص) فرمود: بر یهود و نصاری سلام کنید ولی برخوردارنده بنگ سلام نکنید. یا روایت قال رسول الله (ص): «من احتقر ذنب البنج فقد کفر»، رسول گرامی اسلام فرموده است: کس که گناه بنگ را کوچک شمارد کافر است (نوری طبرسی: ۱۴۵).

در جایی دیگر پیامبر (ص) فرموده‌اند: کسی که بنگ را می‌خورد مثل این است که هفتاد مرتبه کعبه را خراب کرده است؛ هفتاد فرشته مقرب را کشته است؛ هفتاد پیامبر مرسل را کشته است؛ هفتاد کتاب آسمانی را به آتش کشیده است؛ هفتاد سنگ به سوی خدا پرتاب کرده است؛ او حتی نسبت به کسی که شراب می‌نوشد از رحمت خدا دورتر است و حتی نسبت به رباخواری؛ زنا کاری و سخن چین (مجلسی: ۱۸۱).

## آراء فقهای امامیه پیرامون مجازات اعدام در قبال جرائم مخدر

درباره حرام بودن مصرف مواد مخدر و مقدمات آن و همچنین نظریات صریح بعضی از مراجع در مجازات مرتکبین جرائم مخدر، بالاخص مجازات اعدام، لازم است به فتاویٰ عده‌ای از علما و مراجع عظام تقلید هم استفاده کنیم.

### ۱- آیت الله اردبیلی

در مجازات، اعدام از باب فساد فی الارض است و تعیین مجازات برای مقدار هروئین و تریاک از باب جلوگیری از تفاوت فاحش میان آرای قضات محترم می‌باشد. اگر مقدار و میزان مواد مخدر مشخص نباشد، ممکن است یک قاضی برای یک گرم حکم اعدام صادر کند و قاضی دیگر برای مقدار معینی کیفری غیر از اعدام در نظر بگیرد، ایشان ورود قاعده در آن را نیز منتفی دانسته‌اند.

### ۲- آیت الله فاضل لنکرانی

مصرف مواد مخدر اگر به منظور اعتیاد یا زمینه‌ای برای اعتیاد باشد، جایز نیست. عناوین دیگر، تابع مقررات جمهوری اسلامی ایران است و تخلف از آن جایز نیست. به طور کلی استعمال مواد مخدر فی نفسه جایز نیست و این افراد لازم است ترک کنند.

فقهای مثلاً مرحوم آیت الله بروجردی صریحاً فتوا می‌دهند که اعتیاد به تریاک حرام است. من خودم هم استفتایی که در این رابطه از من شده حتی ظاهراً بالا رفتم؛ گفته‌ام که کشیدن تریاک و لو اینکه اطمینان به عدم اعتیاد در آن باشد، حرام است. چیزی که اثرش انسان را از بعد انسانیت محروم می‌کند، نمی‌تواند در شرع اسلام مجوزی داشته باشد. استعمال مواد مخدر از این جهت که ضرر مهم بر جسم انسان وارد می‌کند و هم امور متعارف، طبیعی و اجتماعی فرد را مختل می‌کند و موجب باز داشتن او از انجام واجبات و امور دینی است و همینطور به دلیل سایر مفسداتی که دارد، به هیچ وجه جایز نیست. از طرفی امور مقدماتی آن از قبیل کشت و تولید که برای این جهات باشد نیز همین حکم را دارد و برخی از عناوین که ذکر شده، از قبیل توزیع، دایر کردن

محل برای استعمال و تشویق افراد چه بسا حرمت مضاعف دارد و بر مؤمنان واجب است هم اجتناب نمایند و هم دیگران، خصوصاً جوانان را غفلت و مسامحه در این نیز جایز نیست. «اما راجع به کیفیت مبارزه با این جریان، مواد مخدر را خوب همان طوری که فرمودید به نظر من یکی از معضلات نظام است. یکی از مسائل مشکل، واقعاً خیلی مشکل، که چه جوری با این مواد مخدر مبارزه شود؟ ... به نظر من بهترین راهش یک کار فرهنگی است؛ این راه موفق خواهد بود. اما مسأله اعدام، اعدام اثر ندارد، فایده ندارد..... مگر حالا یک مواردی که دیگر چاره‌ای نیست؛ اما استفاده از اعدام درست نیست؛ حالانظر خودم هست» (زحمتکش، ۱۳۷۷: ۲۶۶ و ۲۶۸).

### ۳- نظریه آیت الله استادی

در بین گناهان، انسان وقتی اعتیاد رامطالعه می‌کند، می‌بیند که همه جور مفسده جسمی برای خود معتاد دارد، یک خانواده را به نیستی می‌کشد، یک محیط را آلوده می‌کند، وقتی افراد معتاد زیاد شوند، خدای ناکرده یک جامعه‌ای را به فساد و تباهی می‌کشاند.

باسلام و احترام، ناروا بودن و گناه بودن برخی از کارها از نظر شرع به قدری واضح است که نیاز به دلیلی از آیات و روایات ندارد، بلکه هر مسلمان عاقلی، حرام بودن آن رامی‌داند، استعمال مواد مخدر و کلیه مقدمات آن، ظلم به نفس، ظلم به خانواده، ظلم به دیگران، ظلم به جوامع اسلامی و نظام مقدس اسلامی ایران است و گناه بودن ظلم، برای همه روشن است؛ به خصوص، اگر ویرانگر باشد و ویرانگری این عمل زشت برای کسی قابل انکار نیست.

### ۴- حضرت امام خمینی (ره)

استعمال مواد مخدر جایز نیست. تریاک آوردن و پخش کردن بین مردم، هروئین آوردن و پخش کردن بین جوان‌ها، ملت ما را از بین خواهد برد. اینها قبل از اینکه عذاب الهی برایشان بیاید، قبل از اینکه شلاق الهی به اینها بخورد، خودشان ملاحظه بکنند و نکنند،

ترک کنند این راه را، این جنایت است، این کشیدن جوان‌های برومند مابرای از بین رفتن است، این فساد است، نسل را فاسد می‌کند.

اینهمه می‌خواستند که هر فکری را که احتمال بدهند، این فکر در مقابل آنها است، آنگاه بتوانند فکر را از او بگیرند فکر را چطور می‌گیرند؟ با اعتیاد به مشروبات الکلی، با اعتیاد به هروئین و امثال این مخدرات که فکر انسان را می‌گیرد، انسان را میان تهی می‌کند (همایش ابعاد بین‌المللی موادمخدر در زمینه مسائل قضایی: ۹۱).

اعتیاد به تریاک جایز نیست.

فروش هروئین جایز نیست، پخش هروئین یک توطئه است.

پول هروئین حرام است و ارزاق به آن جایز نیست.

نگذارید قاچاق وارد شود. خصوصاً اسلحه و قاچاق مواد مخدر که برای ملت ما

مضر است.

حضرت امام خمینی (ره) ابتدا با اعدام قاچاقچیان موافق نبودند، پس از توضیحات تعدادی از مسئولین، اطلاق افساد را منحصر به شرایط ذیل می‌دانند: « مواد مخدر، پخش شود به طوری که موجب ابتلاء بسیاری شود یا به قصد این عمل یا با این علم این اثر» (همان: ۲۶۴-۲۶۵).

#### ۵- حضرت آیت الله مکارم شیرازی

« مواد مخدر، به هر شکل و هر صورت، استعمالش حرام است و تمام کسانی که دست اندرکار پخش و گسترش آن به هر نحو باشند، کار آنها حرام است، معاملاتش قطعاً حرام است، در شرایط فعلی کشت مواد مخدر حرام است، همچنین همه دست اندرکاران، کارشان حرام است».

اقدام به حمل مواد مخدر حرام است.

بدون شک استعمال مواد مخدر، یکی از محرّمات است که ادله مختلف شرعیه بر حرمت قطعی آن دلالت دارد و بر همه مسلمانان واجب است که از این مواد پلید پرهیز و اجتناب کنند و فرزندان، بستگان و آشنایان خود را از آنها شدیداً بر حذر دارند و هر کس، هر گونه کمکی به کشت، تهیه، حمل و نقل و پخش این مواد کند، مشمول

مجازات الهی خواهد بود و نیز هر گونه درآمدی از آنها حاصل شود، حرام و نامشروع است. همه مسلمین بدانند که یکی از نقشه‌های خطرناک دشمنان، به ویژه برای نابود کردن ایمان جوانان، توسعه همین مواد مخدر می‌باشد. بنابراین بر حکومت‌های اسلامی و عموم مردم فرد فرد واجب است که با آن مبارزه کنند. انشاء الله روزی بیاید که مواد مخدر از سرزمین کشورهای اسلامی ریشه کن شود. «

من آخرین جمله‌ای که می‌خواستم عرض کنم؛ این است: اگر می‌بینید که قاچاقچیان را اعدام می‌کنند، این اعدام از نظر شرعی، یک کار جایزی است، بلکه در برخی مواقع واجب می‌شود. چرا؟ به علت اینکه اینها مصداق واقعی مفسد فی الارض هستند، مفسد الارض که در قرآن کریم به آن اشاره شده و متن آیه قرآن است. آن کسی می‌باشد که در یک منطقه، ایجاد افساد گسترده و وسیع کند و چه فسادی عظیم‌تر از فسادی است که قاچاقچیان مواد مخدر می‌کنند، وقتی مفسد فی الارض باشند، محکوم به اعدام خواهد شد. البته با شرایطی که قوانین شرعی و قانون مملکتی که متخذ از احکام شرع است آمده» (همان: ۱۳۷۹: ۱۰۰).

#### ادله طرفداران مجازات اعدام مرتکبین مواد مخدر، از باب افساد فی الارض

طرفداران این نظریه که مبنای مجازات اعدام در جرائم مواد مخدر را از باب افساد فی الارض می‌دانند، برای اثبات ادعای خود به دلایل ذیل استناد می‌کنند:

۱- طرفداران این نظریه در اثبات نظریه خود به آیه ۳۲ سوره مبارکه مائده و آیه ۲۰۵ سوره مبارکه بقره استناد می‌کنند، آیه ۳۲ سوره مبارکه مائده می‌فرماید: بدین سبب بر بنی اسرائیل حکم نمودیم که هر نفسی را بدون حق قصاص و یا بی آنکه فساد و فتنه‌ای در روی زمین کنند به قتل رسانند، مثل آن باشد که همه مردم را کشته است. آیه ۲۰۵ سوره مبارکه بقره نیز می‌فرماید: «و آنگاه که پشت کند روی زمین، تلاش می‌کند تا فساد کند و حاصل و نسل بشر را هلاکت کند و خداوند فساد را دوست ندارد».

مفهوم آیه ۳۲ سوره مبارکه مائده که در مقام بیان جواز قتل برای مفسدین است؛ این است که: کشتن شخص «غیر مفسد» قتل عمد و جرم محسوب می‌شود، ولی کشتن

شخص مفسد جایز است و مسئولیتی ندارد. مفهوم آیه ۲۰۵ سوره مبارکه بقره نیز این است که هر عملی موجب نابودی انسان‌ها، اموال مردم یا غارت آنها می‌شود و یا موجب ایجاد فتنه، تفرقه، آشوب در میان افراد، یا موجب گسترش فساد و انحراف اخلاقی عده-ای از مردم به نحوی از انحاء گردد؛ «افساد فی الارض» می‌باشد. نتیجه‌ای که استناد به آیه مذکور به دست می‌آید این است که افساد فی الارض، مجزا و مستقل از محاربه است و دارای مبنای قرآنی و شرعی نیز می‌باشند.

بنابراین بر اساس آیات مذکور، مجرمین جرائم مواد مخدر، عناصر تعریف فساد فی الارض را دارا می‌باشند. زیرا اعمالشان موجب تباهی حرث نسل، گسترش فساد و انحراف اخلاقی در جامعه می‌شود و سلامت عمومی جامعه را به خطر می‌اندازد، در نتیجه مجازات اعدام درباره این جرائم مجرمین آنها از باب «افساد فی الارض» جایز است.

۲- محاربه و افساد فی الارض جرم واحدی محسوب نمی‌شوند، بلکه دو جرم مستقل و مجزا از یکدیگر می‌باشند. برای اثبات این ادعا به آیه ۳۳ سوره مبارکه مائده استناد می‌کنند که می‌فرماید: همانند کیفر آنکه با خدا و رسول او به جنگ برخیزند و در زمین به فساد بکوشند و مستند به آیه فوق، اگر فساد فی الارض همان محاربه باشد دگر نیازی به ذکر عبارت «سيعون فی الارض فساداً» نبود. بعلاوه «واو عطف» که در آیه مذکور به کار رفته، بیانگر این است که محاربه و افساد فی الارض دو عنوان مجرمانه محسوب می‌باشند؛ زیرا در غیر اینصورت و در صورتی که شارع در مقام بیان یک عنوان مجرمانه بود، به جای «واو عطف» باید حرف «او» را استعمال می‌نمودند (حبیب زاده، ۱۳۷۰: ۳۶۰).

۳- دلیل دیگری طرفداران این نظریه برای صحت ادعای خود به آن استناد می‌کند «حکم عقل» است و بیان می‌دارند که: به نظر ما عقل نیز، مجزا بودن عنوان افساد فی الارض را به عنوان جرمی مستقل و جدای از محاربه، تأیید می‌کند؛ زیرا از یک طرف می‌گوییم تعزیر بمادون حد است، زیرا گناهان تعزیری به اهمیت گناهان مستلزم حد نیستند. از طرف دیگر برای جرائمی مانند قاچاق مواد مخدر، به فساد کشیدن فرهنگ

جامعه و انحطاط اخلاقی جوانان و ... که همگی منجر به خروج جامعه از اعتدال می-شوند، عنوان خامی پیش‌بینی نشده است، در حالی که اهمیت آنها و درجه فساد آنها به مراتب شدیدتر از بسیاری از جرائم مستلزم تعزیر یا حتی حد است. بنابراین از نظر عقل قبیح است که اعمالی که منجر به فساد در زمین می‌شوند، همچنین جامعه بشری را از مسیر خود خارج می‌کنند، اعتدال آن را به هم می‌زنند، در ردیف جرائم مستلزم تعزیر قرار گیرند. در حالی که اثرات مخرب آنها به مراتب بیش از جرائم تعزیری است. بنابراین جرم در «افساد فی الارض»، یک عنوان کلی است که از مصادیق آن جرم، محاربه که مورد حکم خاص قرار گرفته است (آیه ۳۲ سوره مائده و ماده ۱۸۳ ق. م. اسلامی مصوب ۱۳۷۰). در غیر این موارد، به اصل کلی مراجعه می‌شود؛ یعنی فساد عنوانی مستقل از محاربه بوده و مشمول حکم آیه ۳۲ و ۳۳ سوره مائده قرار می‌گیرد. (همان: ۵۴).

۴- رابطه «محاربه» و «افساد فی الارض» عموم و خصوص مطلق است و افساد فی الارض اعم است از محاربه. بدین معنی که هر محاربه مفسد است ولی هر مفسدی محارب نیست. بنابراین کلیه گناهایی که دارای مفسده عمومی هستند (مانند جرائم مواد مخدر)، مشمول حکم «افساد فی الارض» قرار می‌گیرند و بر این اساس، محاربه یکی از مصادیق افساد محسوب می‌شود (همان: ۳۷).

۵- بالاخره آخرین دلیلی که طرفداران این نظریه بیان می‌کنند این است که اصلاحیه قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۷۶، مبنای مجازات اعدام را از باب «افساد فی الارض» دانسته است. ماده ۹ اصلاحیه مذکور بیان می‌دارد «مرتکب در حکم مفسد فی الارض است و به اعدام محکوم می‌شود ...»، بیانگر این است که قانونگذار محاربه و افساد فی الارض را دو جرم تلقی کرده و مبنای اعدام در جرائم مواد مخدر را از باب افساد فی الارض دانسته است.

#### ادله طرفداران مجازات اعدام مرتکبین مواد مخدر از باب محاربه

طرفداران این نظریه که مبنای مجازات اعدام در جرائم مواد مخدر را از باب محاربه و افساد فی الارض می‌دانند، برای اثبات ادعای خود به دلایل ذیل استناد می‌کنند.

هر عملی که موجب بر هم زدن آرامش، نظم و امنیت عمومی جامعه شود و ایجاد افساد در جامعه کند، مشمول محاربه قرار خواهد گرفت (میر محمد صادقی، ۱۳۷۴: ۳۸).

تجرید و تشهیر سلاح و یا به دست گرفتن اسلحه در تعریف فقها و قانون مجازات اسلامی از محاربه، جنبه حصری ندارد؛ بلکه از باب تمثیل می‌باشد. (عاملی و شهید ثانی، ۱۴۱۳: ۵؛ آملی، ۱۳۸۰: ۵۸۹ و گلپایگانی، ۱۴۱۲: ۲۲۲).

طرفداران این نظریه برای اثبات این ادعا به جرائمی استناد می‌کنند که در فقه و قانون وجود دارند و در آنها بدون اینکه «تجرید السلاح» و یا سلاح به دست گیرند، مرتکب محکوم به قتل و اعدام می‌شوند. مانند شخصی که ادعای نبوت کند، مرتد، ساحر و ... (بغدادی، ۱۴۱۳: ۷۴۳؛ طوسی، ۱۴۰۷: ۱۴۷؛ عاملی ۱۴۱۹: ۲۴۲ و نراقی، ۱۴۲۵: ۸۴۱).

در قوانین مختلف کیفری نیز، جرائمی مقرر گشته‌اند که در آنها بدون اینکه مرتکب سلاح به دست گیرند و در ارتکاب آنها سلاح به کار رفته باشد، اقدام علیه امنیت کشور بوده که معادل فقهی آن محارب و مفسد فی الارض می‌باشد. موارد این جرائم، در قوانین کیفری ایران متعدد می‌باشد، به عنوان نمونه به چند مورد از آنها اشاره می‌کنیم: ماده ۳ مواد خوردنی، آشامیدنی، آرایشی و بهداشتی که منجر به فوت مصرف کننده گردد، مجازات سازنده، تهیه کننده و مخلوط کننده اعدام است.

ماده ۱ قانون مجازات اخلاص گران در صنایع، مصوب ۱۳۵۳/۲/۲: «هر کس عمداً و به قصد سوء هر یک از واحدهای عمده شرکت ملی ذوب آهن ایران، شرکت سهامی ماشین سازی اراک و ... را آتش بزند یا وسیله دیگران را منهدم کند در صورتی که هر یک از جرائم مذکور منتهی به قتل نفس شود، مرتکب به اعدام محکوم می‌گردد.»

از این رو هر فعلی که موجب بر هم زدن امنیت و آسایش عمومی می‌شود و ایجاد هراس، رعب، وحشت و فساد در زمین نماید، مشمول حکم «محاربه و مفسد فی الارض» قرار خواهد گرفت؛ خواه به صورت مسلحانه انجام پذیرد و خواه به صورت غیر مسلحانه. حکم مزبور شامل «جرائم مواد مخدر» نیز می‌شود و از آنجا که جرائم



مربوطه به امنیت، سلامت عمومی جامعه و افراد آن لطمه وارد کرده و ایجاد فساد در روی زمین می‌نمایند، همچنین اساس حکومت اسلامی را به مخاطره می‌اندازد، در نتیجه مرتکبین و مجرمین آنها «محرابه و مفسد الارض» بوده و اعدام آنها جایز است، فرق نمی‌کند که جرائم مزبور به طور مسلحانه انجام پذیرد و یا خیر.

طرفداران «تعزیری بودن مجازات اعدام در جرائم مواد مخدر»، برای اثبات ادعای خود به چند دلیل است:

۱- طرفداران این نظریه به عنوان نخستین دلیل، معتقدند که این اصل (تعزیرات باید دون الحد باشند) به این معنی نیست که تعزیرات باید کمتر و خفیف تر از حدود باشند، بلکه «دون» در لسان عرب و برخی از آیات قرآن کریم، به معنای «غیر» نیز استعمال شده است. بنابراین «دون الحد» یعنی «غیر از حد». چنان که وقتی می‌گویند «يعزر دون الحد» مراد آن است که «يودب على غير مثل الحد» یعنی عقوبتی که مثل حد نباشد. (معرفت، ۱۳۶۵: ۹۸).

بنابراین با استناد به این دلیل می‌توان در تعزیرات، هر مجازاتی (ولو اعدام) را اعمال نمود. از آنجا که جرائم مواد مخدر، جرائمی تعزیری می‌باشند، اگر ضرورت و مصلحت ایجاب کند در مورد مرتکبین آنها به مجازات اعدام نیز می‌توان متوسل شد.

۲- با بررسی کتب فقهی می‌توان مواردی را یافت که در مجازات جرم تعزیری، قتل پیش‌بینی شده، گرچه خود فقها هنگامی که پیرامون تعزیر به صورت مستقل صحبت کرده‌اند، آن را دون الحد گرفته‌اند. این مطلب بیانگر این است که در تعزیرات نیز می‌توان مجازات اعدام را اعمال نمود، در نتیجه در مورد مرتکبین جرائم مواد مخدر نیز به دلیل اینکه این جرائم، جرائم تعزیری هستند، می‌توان متوسل به مجازات اعدام شد (معرفت ۱۳۶۵: ۹۹).

۳- دلیل دیگر رعایت مصلحت فرد و جامعه می‌باشد. بدین معنی که در مواردی چند با زدن چند ضربه شلاق و یا جزای نقدی و یا حبس نمی‌توان فردی را که مرتکب جرائم مواد مخدر می‌شود، تنبیه و منافع، مصالح فردی و اجتماعی را رعایت نمود. بنابراین برای اینکه منافع جامعه تأمین شود و جامعه از شر وجود چنین مجرمی پاک

شود، اجرای مجازات اعدام لازم و ضروری است. بعلاوه چنین امری موجب پیشگیری و باز دارندگی از ارتکاب جرم نیز خواهد شد.

### مجازات‌های بازدارنده

مجازات اعدام در جرائم مواد مخدر بر اساس « رعایت مصلحت و حفظ نظم عمومی جامعه است». بدین معنی این امر امکان پذیر است که برخلاف حدود و تعزیرات، برای رعایت مصلحت و حفظ نظم جامعه، بدون اینکه معصیتی واقع شده باشد، در شرح تصریحی وجود داشته باشد. فعل یا ترک فعلی که توسط حکومت قابل مجازات قلمداد شود، این جرائم (مواد مخدر) در واقع مربوط به اعمالی هستند که بر حسب زمان و مکان از ناحیه حکومت اسلامی ممنوع اعلام می‌شوند و ضمانت اجرایی که برای آنها مقرر شده است نیز همان مجازات‌های باز دارنده می‌باشند.

۱- مبنای وضع این جرائم، ارتکاب فعل معصیت بار نمی‌باشد، بلکه صرف نظر از وجود شرایط مذکور، خطر اجتماعی و آسیب به نظم عمومی می‌باشد؛ در نتیجه به دلیل نتایج و عواقب سوء و صدماتی که مواد مخدر برای جامعه و افراد آن در پی دارد، همچنین رعایت مصلحت و ضرورت حفظ نظم جامعه، اعمال مجازات اعدام را در مورد مجرمین مواد مخدر مجاز می‌سازد و لوائیکه در شرع چنین امری مورد تصریح قرار نگرفته باشد. (ناتری، ۱۳۷۸: ۱۷۵).

۲- ماده ۱۷ ق. مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ مؤید این ادعاست. ماده مذکور مقرر می‌دارد مجازات‌های بازدارنده، تأدیب یا عقوبتی است که از طرف حکومت به منظور نظم و مراعات مصلحت اجتماع در قبال تخلف از مقررات و نظامات حکومتی تعیین می‌شود. از قبیل: جزای نقدی، تعطیلی محل کسب، لغو پروانه .... و مانند آن.

بر اساس ماده فوق، « قانون مبارزه با مواد مخدر» که توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام به تصویب رسیده است، نمونه و مصداقی از « مقررات و نظامات حکومتی» می‌باشد. همچنین از آنجایی که ماده مذکور برای بیان مجازات‌های مقرر، عبارت « از قبیل و مانند آن» را به کار برده است؛ بنابراین مجازات‌های مذکور حصری

نبوده، بلکه جنبه تمثیلی دارد. در نتیجه این مجازات‌ها می‌تواند شامل هر مجازاتی ولو مجازات اعدام بشود و رعایت مصلحت و ضرورت حفظ نظم عمومی جامعه، اعمال این مجازات در جرائم مواد مخدر را توجیه می‌کند.

### نتیجه‌گیری

مجازات اعدام از قدیم در میان ابنای بشر معمول بوده و پس از متمدن شدن انسان و برقراری پاره‌ای مقررات (برای نظم اجتماعی - اقتصادی) و نزول احکام الهی و حکومت ادیان، اجرای مجازات اعدام درباره جرایم خاصی استمرار یافته است و تا اواسط قرن هفدهم میلادی، سابقه‌ای از مزمت کلی اجرای مجازات اعدام که در قانون حمورابی هم وجود داشته، در نوشته‌ها دیده نمی‌شود. جرایم مرتبط با مواد مخدر، اعم از آنکه مربوط به فرایند قاچاق و عرضه باشد یا مصرف و اعتیاد، از جرایم و گناہانی نیست که در نصوص فقهی و احکام اسلامی برای آنها حدود خاص، معین شده باشد و قانونگذار می‌تواند با توجه به ویژگی‌های مرتکب، اوضاع و احوال ملی و بین‌المللی، مقتضیات زمان و ارزش‌های فرهنگ اجتماعی، در راستای اهداف اصلاح مجرم و عبرت‌آموزی دیگران، مجازات‌های پیشگیرانه و بازدارنده، حتی بر اساس عدالت ترمیمی، برای آن مقرر کند.

در خصوص امکان تعیین مجازات اعدام و توجیه فقهی آن درباره جرایم مواد مخدر، همان‌طور که در متن پژوهش به طور مفصل بیان شد، تنها از ۳ طریق « افساد فی الارض»، « تعزیر شرعی» و « حکم حکومتی» امکان پذیر است. با بررسی متون فقهی و ادله شرعی می‌توان گفت که توجیه مجازات اعدام در قالب « افساد فی الارض و تعزیر شرعی»، فاقد وجهت شرعی و غیر منطبق با موازین اسلامی است. تنها راه باقی مانده حکم حکومتی و رعایت مصلحت جامعه می‌باشد. همان‌طور که در متن پژوهش به‌طور مفصل بیان شد، مجازات اعدام در قبال مجرمین مواد مخدر، می‌تواند از باب احکام حکومتی باشد؛ زیرا قلمرو و محدوده احکام حکومتی محدود به احکام شرعی اولیه و ثانویه نیست، بلکه فراتر از محدوده احکام شرعی می‌باشد. به عبارت دیگر ولی امر، متولی همه ابعاد دین در عصر غیبت امام معصوم (ع) است و شرعیت نظام اسلامی و اعتبار و مقررات آن به او بر می‌گردد و به تأیید و تنفیذ او مشروعیت می‌یابد. بنابراین برای حفظ

دین و نظام اسلامی زمانی که مصلحت اقتضاء نماید ولی امر می‌تواند از باب احکام حکومتی مجازات اعدام پیش‌بینی کند. بنابراین بر اساس مبنای فقهی کیفر اعدام در مورد شاذ و نادر، بر اساس مصلحت قابل توجیه است. البته باید در نظر داشته باشیم با توجه به اینکه یکی از اثرات مجازات پیشگیری از وقوع جرائم می‌باشد و یکی از هدف‌های پیش‌بینی مجازات اعدام در قبال مرتکبین مواد مخدر نیز، پیشگیری از این گونه جرائم است، ولی بدون مقابله با زمینه‌های وقوع این جرائم (مواد مخدر) پیش‌بینی مجازات اعدام در جرائم مواد مخدر نه تنها اثری ندارد بلکه اثر این مجازات رادر موارد لزوم نیز سست خواهد کرد. حتی اعمال نابجای این مجازات می‌تواند حیثیت و اعتبار بین المللی کشورمان را مخدوش کند. تحقیقات نشان داده که اکثر معدومین و محکومین جرائم مواد مخدر از عوامل اصلی نبوده و اغلب قربانی قاچاقچیان بزرگ و باندهای تولید و توزیع عمده می‌باشند که به مافیای بزرگ مواد مخدر جهانی متصل‌اند و هیچ وقت در وسط گپ‌دار معرکه نبوده‌اند. از طرفی به وسیله کشورهای همسایه حمایت می‌شوند و دسترسی به آنان از خارج حیطة قلمرو ماست. همچنین آثار سوء مجازات اعدام بر خانواده معدومین، از جمله تأثیر منفی بر وضع روحی و روانی اعضای خانواده به ویژه فرزندان، تأثیر منفی بر وضع رفاهی، اجتماعی و اقتصادی خانواده، تأثیر منفی بر وضع تحصیلی، بی‌سپرست شدن خانواده، بیوه شدن زنان جوان، خوردن مهر ننگ بر پیشانی اعضای خانواده، جایگزین شدن یکی از اعضای خانواده معدوم با حذف وی، نشان دهنده این است که اعمال کیفرهای سنگین (اعدام) که غالباً فاقد پشتوانه منطقی و توجیه عقلی است و اغلب به عنوان یک تدبیر احساسی در راستای حذف فیزیکی مجرم و یا تسکین افکار عمومی یا ایجاد ارباب به منظور پیشگیری عمومی از طریق عبرت سایرین، اتخاذ می‌شود، در طول تاریخ با ناکارآمدی مواجه بوده است. زیرا کیفرهای سنگین یا عملاً اجرا نمی‌شود و یا در صورت اجرا، دارای آن چنان تبعات سوئی است که می‌توان مفاسد آن را بر مصالح و فواید آن غالب دانست. البته مجازات اعدام می‌تواند در قبال قاچاقچیان مسلح، باندها و شبکه‌های تهیه و توزیع مواد مخدر که

مصدق واقعی افساد فی الارض هستند و با اعمال خود جامعه را از مسیر وحد اعتدال خود خارج می‌کنند، قابلیت اعمال باشد.

### پیشنهادها

۱- مجازات اعدام در جرائم مواد مخدر اگر نگوییم حذف، به لحاظ ضرورت‌های شاذ و نادر به حداقل ممکن کاهش یابد. اجرای آن در مواردی همانند قاچاقچیان مسلحی که اقدام به درگیری می‌نمایند و واقعاً مصداق بارز محارب و افساد فی الارض اند، اعمال شود. یعنی برای شدیدترین جرائم در نظر گرفته شود.

۲- برای مجازات اعدام جایگزین مناسب از جمله: مجازات زندان توأم با کار، در نهایت می‌تواند به کار توأم با زندان تبدیل شود، در نظر گرفته شود. همچنین پیشنهاد می‌شود که کیفر زندان که به مجازات سلب آزادی معروف است، مورد بازنگری قرار گرفته و این مجازات از محرومیت به اصلاح «اصلاح همراه با محدودیت» تبدیل شود و از هر گونه توهین و تحقیر محکوم و از ایجاد هر گونه محرومیت کامل از ملاقات حضوری وی با نزدیکان خود و مبادله عواطف بین آنان و نیز، هر گونه بیکاری که بدون هدف اصلاحی بوده و فاقد جنبه کسب مهارت است، خودداری گردد.

۳- لازم است خانواده معدوم تحت حمایت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جدی قرار گیرد. تشکیل گروه‌های قوی مددکاری می‌تواند خانواده معدوم را تحت کنترل در آورد. در صورت امکان، محیط زندگی آنها را باید عوض نمود تا از جو روانی ایجاد شده در محل زندگی پیشین رها شده و در محیطی جدید به طور عادی زندگی کنند.

۴- چون منظور از ارتکاب قاچاق مواد مخدر تحصیل اموال است و قاچاقچیان بین المللی، اموال حاصل از جرم را به کشورهای دیگر به ویژه کشورهای مرفعی منتقل نموده و با روش تطهیر بعداً مورد استفاده قرار می‌دهند، بنابراین ضروری است با همکاری‌های بین المللی مطالعاتی به عمل آید و مقرراتی وضع شود که اموال حاصل از جرم در هر محلی که کشف شود، سریعاً بتوان آن را ضبط نمود و این امر میسر نیست مگر از طریق کنترل سیستم‌های بانکی.

۵- با توجه به اهمیت همکاری بین المللی در زمینه مواد مخدر، ضروری است این همکاری‌ها از طریق معاضدت قضایی و استرداد مجرمان گسترش یابد و تشریفات و اقدامات استرداد مجرمان مواد مخدر، با اصلاح مقررات مربوطه به آن آسان شود.

۶- مواد مخدر نباید جنبه سیاسی پیدا کند. تمامی دنیا منهای مسائل سیاسی، یک مبارزه جدی با مواد مخدر داشته باشند و بپذیرند که انسان‌ها در هر کجا که باشند، مساوی‌اند و باید موانع رشد و تکامل از سر راه آنها برداشته شود.

۷- افزایش اقدام‌های ملی کشورهای منطقه‌ای و بین المللی با وضع قوانین منطقه‌ای، بازنگری در قوانین ملی و تبادل اطلاعات کشورها با هم، زیرا هیچ کشوری به تنهایی نمی‌تواند در مبارزه با مواد مخدر موفق باشد. زیرا سود سالانه مواد مخدر بین ۴۰۰ الی ۶۰۰ میلیارد دلار تخمین زده می‌شود و هیچ کشوری را یارای مقابله با این امکانات نیست الا با معاضدت جهانی.

بنابراین با توجه به مطالب بالا، چنان چه کشورهای اروپایی که عمده بازار مصرف تولیدات افغانستان و سایر تولید کنندگان منطقه‌اند، همچنین جوامع بین المللی مرتبط به ایران در امر مبارزه با مواد مخدر همکاری لازم و مساعدت‌های مادی و معنوی رانداشته باشند، با وجود تلاش چشمگیر که بنا به آمار موجود بیش از ۷۸۰ میلیون دلار فقط در مرزهای شرق کشور صرف ایجاد استحکامات و ایجاد موانع شده، آنچنان که باید باشد، موفقیت حاصل نشده است. مگر یک کشور در حال توسعه تا چه اندازه می‌تواند سپر بلای منطقه وسیعی از جهان باشد؟ امید است که این پژوهش هر چند کم و ناچیز بتواند گوشه‌ای از مشکلات مبارزه با مواد مخدر را مطرح کرده باشد.

## منابع

۱. اختشامی، علی (۱۳۸۵)، کلیات و طبقه‌بندی مواد مخدر، تهران: نشر دانشگاه علوم انتظامی ناجا.
۲. اردبیلی، محمد علی (۱۳۸۲)، معاضدت قضایی و استرداد مجرمین با تأکید بر جرائم مواد مخدر، تهران: انتشارات میزان.
۳. اسعدی، سید حسن (۱۳۸۲)، پژوهشی دربارهٔ مواد مخدر، تهران: نشر الف.

۴. اکبری قزوینی، حسین (۱۳۸۴)، «بررسی نقد علمی - کاربرد مجازات اعدام در قبال جرایم مواد مخدر»، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق، استاد راهنما جعفر کوشاس، دانشگاه آزاد اسلامی تهران.
۵. آخوندی، محمود (۱۳۷۹)، آیین دادرسی کیفری، ج ۴، قم: انتشارات اشراق.
۶. باصری، علی اکبر (۱۳۸۶)، مواد مخدر در منابع فقهی و فتاوی مراجع عظام تقلید، تهران: ناشر خرسندی.
۷. بکاریا، سزار (۱۳۶۸)، جرایم و مجازات‌ها، ترجمه محمد علی اردبیلی، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
۸. جوانفر، عباس (۱۳۷۶)، « مجازات‌های بدنی (اعدام و شلاق) در اصلاحیه قانون مبارزه با مواد مخدر»، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا، استاد راهنما: علی حسین نجفی ابرندآبادی، دانشگاه آزاد اسلامی تهران.
۹. حبیب زاده، محمد جعفر (۱۳۷۰)، بررسی جرم محاربه و افساد فی الارض، تهران: انتشارات کیهان.
۱۰. حسنزاده، روح‌الله (۱۳۸۲)، «گذشته و حال نظام دادرسی جرایم مواد مخدر در حقوق کیفری ایران»، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا، استاد راهنما جلیل امیری، دانشگاه آزاد اسلامی تهران.
۱۱. خمینی، روح‌الله (۱۳۶۸)، تحریر الوسیله، ترجمه اسلامی، قم: انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۱۲. دانش، تاج زمان (۱۳۷۹)، معتاد کیست؟ مواد مخدر چیست؟، تهران: انتشارات کیهان.
۱۳. زحمت کش، خلیل‌الله (۱۳۷۷). « جستجوی حلقه‌های مفقوده در ۸۸ سال قانونگذاری و شیوه‌های مبارزه با مواد مخدر»، همایش ابعاد بین المللی مواد مخدر در زمینه مسائل قضایی.

۱۴. ستاد مبارزه با مواد مخدر (۱۳۷۷)، همایش ابعاد بین المللی مواد مخدر در زمینه مسائل قضایی، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ ارشاد اسلامی.
۱۵. موحدی لنکرانی، محمدفاضل (۱۴۲۲)، تفصیل الشریعه فی شرح تحریر الوسیله، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام.
۱۶. موسوی اردبیلی، سید عبدالکریم (۱۴۲۷)، فقه الحدود و التعزیرات، ج ۴، قم: مؤسسه النشر الجامعه المفید رحمه الله.
۱۷. قانون اساسی.
۱۸. قانون اصلاحیه قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۷۶.
- قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰